

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۶

تاریخ تأیید: ۹۰/۳/۲۳

هنر هفتم و فرهنگ رضوی؛ همسویی‌ها و تعاملات

نوشته

امان‌الله شفایی*

غلامرضا بهروزلک**

چکیده

براساس چارچوب نظری تنیدگی دین و هنر، میان فرهنگ رضوی و هنر هفتم می‌توان همسویی‌هایی را مشاهده و برجسته نمود که تعامل میان آنان را تسهیل می‌کند. در یک طبقه‌بندی کلی همسویی‌های موجود میان فرهنگ رضوی و هنر هفتم از این قرارند: «نگرش به دین دارند»، «فرهنگ سازند»، «انسان‌سازند»، «اخلاق‌گرایند»، «رمزگرا و نمادگرایند» و «کارکرد رسانه‌ای دارند». بر اساس این همسویی‌ها می‌توان تعاملات وسیعی را میان‌شان برقرار نمود. یعنی که از یک‌سو هنر هفتم به خدمت فرهنگ رضوی درآمده و تسهیلاتی را در اختیار آن قرار می‌دهد. از جمله: «محمل اندیشه و معارف رضوی قرار می‌گیرد»، «شخصیت و امامت امام رضا(ع) را معرفی می‌کند»، «سیره فردی امام رضا(ع) را تبیین می‌کند»، «سیره اجتماعی امام رضا(ع) را می‌نمایاند»، «ابعاد معنوی امام رضا(ع) را معرفی می‌کند» و «فرهنگ زیارت و میراث فرهنگی را می‌شناساند». از سوی دیگر تأثیرات فرهنگ رضوی بر رویکرد و کارکرد هنر هفتم را می‌توان چنین دسته‌بندی نمود: «تعمیق باورها و کرامت انسانی»، «اشاعه معنویت‌گرایی»، «سوژه‌دهی بکر و مستند» و «الگودهی در مقابله با تهاجم فرهنگی».

کلید واژه: هنر هفتم، سینمای دینی، امام رضا (ع)، فرهنگ رضوی، همسویی‌ها، تعاملات.

* دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد علوم سیاسی aman.shafa@yahoo.com

** استادیار دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم behroozlak@yahoo.com

مقدمه

فرهنگ رضوی به عنوان فرهنگ دینی در تلاقی تاریخی با فرهنگ ایرانی شایسته پردازش مباحثی عمیق است. هم چنین بررسی هنر هفتم به نمایندگی از خانواده بزرگ هنر و فرهنگ رضوی به عنوان دودمان فرهنگ اسلامی در یک منظومه تحقیقی - تحلیلی جذابیت و اهمیت بسیاری دارد. هر چند که در نگاه اولیه، از آنجا که سینما خاستگاه غربی داشته و از دل مدرنیته سر بر آورده است با فرهنگ رضوی که خاستگاه دینی و معنوی دارد، در یک قاموس نمی گنجد. اما امروزه به دلیل کارکردهای صوابی که سینما از خود در عرصه های مختلف زندگی بشر ارائه داده، نگاه بدبینانه به آن در نزد افکار خاصه و عامه مسلمانان تا حدود زیادی تعدیل پیدا کرده است. بنابراین، در بدبینانه ترین دیدگاه، سینما به عنوان شمشیر دو دم تلقی می شود که در عین مضراتی که دارد، می تواند فواید بسیاری بر آن مترتب شود.

به رغم آنکه در رابطه با ابعاد شخصیتی و زوایای زندگی امام رضا(ع) مباحث گسترده ای مطرح شده اما به آن در ذیل مجموعه ای کلان تحت عنوان مقوله فرهنگ، کمتر نگریسته شده است. در این نوشتار تلاقی هنر هفتم و فرهنگ رضوی را به فال نیک می گیریم و برآنیم تا زاویه دید عموم را نسبت به مقارنت این دو موضوع از تشکیکات در گذشته به سوی ثبوتات در آینده تغییر دهیم. در این نوشتار با روش تحقیقی - تحلیلی به دنبال آنیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که میان هنر هفتم و فرهنگ رضوی چه نسبتی وجود دارد؟ آیا میان آن دو همسویی هایی برقرار است؟ آیا تعاملات میان آنان امکان پذیر است؟ امیدواریم این فرضیه در نهایت مستدل شود که؛ هنر هفتم و فرهنگ رضوی از لحاظ تبارشناسی از جنسی واحدند و لذا این دو نقاط عزیمت و همسویی های جدی با هم دارند و درگاه های مناسبی برای انجام تعاملات به روی شان گشوده است.

مفاهیم و کلیات

۱. هنر هفتم (سینما)

هنر هفتم (سینما) به معنای "حرکت" و واژه ای در اصل یونانی است به معنای فیلم که به طور کلی در خصوص سالن های سینما به کار می رود. هنگام ارجاع به مفهوم عام "تصویر متحرک" سینما بار زیباشناختی و هنری فزون تری نسبت به واژه فیلم با تصویر متحرک دارد (کینگربرگ، ۱۳۷۹: ۱۲۶). علامه دهخدا سینما را این طور تعریف نموده است:

فن و صنعت و هنر تهیه نمایش سلسله تصاویری که بر نوارهای سلولویدی ضبط شده اند به نحوی که در تماشاگران توهم حرکت ایجاد شود... صنعت سینما از محصولات قرن بیستم است؛ ولی کارهای مقدماتی در این زمینه از دهه بعد از سال ۱۸۷۵ سابقه دارد. از لحاظ فنی، سینما مبتنی بر کیفیت ثبات تأثیرات نوری است؛ در هر ثانیه ۲۴ کادر جدا جدا از جلوی دریچه تصویرافکن سینما می گذرد و بر پرده سینما که در برابر تصویرافکن قرار دارد می افتد؛

اما آنچه به چشم می‌آید تصویری است مدام و منسجم و اغلب متحرک، بدون اینکه جدایی کادرهای ۲۴ گانه در ثانیه در آن احساس شود (دهخدا، ج ۱، ۱۳۴۱: ۲۹، ۷۸۲).

در حقیقت سینما همانند بسیاری از پدیده‌های قرن‌های اخیر خاستگاه غربی دارد و از محصولات مدرنیته به‌شمار می‌آید. در کشورهای اروپای غربی سینما را هنر هفتم نیز می‌خوانند. “کانودو”ی ایتالیایی که در دهه ۱۹۲۰ به کار نوشتن مشغول بود سینما را ترکیب یا آمیزه‌ای از سه هنر تجسمی (فضایی)؛ نقاشی، معماری و رقص و سه هنر زمانی؛ موسیقی، تئاتر و ادبیات می‌داند. دیگران از این پیشنهاد یا نظریه کانودو بهره گرفتند تا چنین نشان دهند که سینما به خودی خود، برای خود و به حق، یک “هنر” به‌شمار نمی‌رود، اما استدلالی که بر پایه این نظریه می‌کنند، قانع‌کننده نیست. نه تنها سینما مجموعه‌ای در بر گیرنده فقط این شش هنر نیست که چیزی نو و متفاوت با همه آن‌هاست (استیفنسون - دبری، ۱۳۶۵: ۱۰۷).

در حقیقت وجهه هنری سینما به عنوان آخرین هنر جهانی باعث شده است بسیاری از انسان‌های این دوران مسحور سینما و جاذبه آن شوند و شاید بسیاری هم باشند که از این سحر می‌گریزند. امروزه فیلم‌ها به عنوان برون‌دادهای سینما؛ شهرها، کشورها و حتی قاره‌ها را در می‌نوردند و میلیون‌ها تماشاچی را به دنیای غالباً تخیلی سازندگان‌شان می‌برند؛ دنیایی که در آن خوبی و بدی، عشق و نفرت، یکرنگی و دورویی، وفا و خیانت و ... همه و همه را می‌توان یافت و تحت تأثیرشان قرار گرفت. از این رو فیلم‌ها می‌توانند هم هیولایی نابود کننده و هم فرشته‌ای هستی‌بخش باشند.

۲. فرهنگ رضوی

“فرهنگ” در زبان فارسی از “فر” و “هنگ” ترکیب شده است. (“فر” پیشوند و به معنای جلو، پیش و “هنگ” از ریشه اوستایی به معنای کشیدن است) بنابراین فرهنگ یعنی بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن (دهخدا، ج ۱، ۱۳۴۱: ۳۰، ۲۷۷).

در اصطلاح و بنابر یک تعریف، “فرهنگ” پدیده کلی و پیچیده‌ای است از آداب و رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است (انوری، ۱۳۸۱: ۵۳۴۶). به هر حال فرهنگ همان فشرده تجربه‌های بشر در طول تاریخ است که از راه تجربه و آموزش مستقیم یا غیرمستقیم به فرد فرد بشر می‌رسد، او را در جهان ویژه خویش قرار می‌دهد و در آن هویت خویش را می‌یابد (آشوری، ۱۳۷۶: ۲۲۵). بر این اساس فرهنگ رضوی را می‌توان مجموعه‌ای نظام‌مند از آداب، عادات، بینش، اندیشه، نظام‌ها و هنارها، سیر و سلوک فردی و اجتماعی و میراث علمی - فرهنگی امام رضا (ع) تعریف نمود. هر چند که فرهنگ رضوی همانند فرهنگ نبوی یا فرهنگ علوی و دیگر معصومین (ع) منطبق و برخاسته از فرهنگ جامع اسلام است اما شرایط زمانی و مقتضیات هر

دوره موجب می‌شود مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌هایی از جانب یک امام صورت پذیرد که مسبوق به سابقه نبوده باشد. امام رضا(ع) در شرایطی خاص به امامت رسیدند و در شرایطی متفاوت از دیگر ائمه(ع) امامت نمودند. همین‌طور سیره فردی و اجتماعی آن حضرت بر اساس آنچه از روایات تاریخی به دست می‌آید، خاص است. گفتارها، معجزات، کرامات، مباحث کلامی، برخورد با سیاست‌مداران و دولتمردان، مناظره‌ها، ارتباط تشکیلاتی با شیعیان، مسئله ولایتعهدی، میراث فرهنگی، سنت و آداب زیارت و... جنبه‌های برجسته زندگانی آن حضرت است که به مجموعه‌ای از آن‌ها می‌توان یک نظام فرهنگی اطلاق نمود تحت‌عنوان "فرهنگ‌رضوی".

۳. چارچوب نظری؛ تنیدگی دین و هنر

منظور از تنیدگی دین و هنر آن است که این دو نه تنها جزیره‌های جدا از هم نیستند تا ما بخواهیم آن‌ها را به هم نزدیک کنیم بلکه به دلیل همراهی‌ها و همسویی‌های بسیار، اموری درهم تنیده‌اند.

دین و هنر روابط تنگاتنگ و مستحکمی دارند؛ به گونه‌ای که بدون وجود امکانات و معانی و حقایق که دین در اختیار هنر قرار می‌دهد، هنر جز پوسته‌ای ظاهری و محدود و منحصر در فعالیت و تجلی نبوغ بشری در تهییج و تحریک احساسات مادی و دنیایی نخواهد بود. از طرف دیگر، هیچ مقوله دیگری چون هنر نمی‌تواند لطایف، حقایق، معانی، زیبایی‌ها، معنویت حیات، ماوراءالطبیعه و به عبارتی حقیقت و ملکوت عالم هستی را به انسان معرفی نماید و در همین‌جاست که گستردگی قلمرو هنر در افعال بشری و عدم تحدید آن در رشته‌هایی معدود مشخص می‌شود (نقی زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

به اعتقاد "رودلف اتو" دین و هنر از دو جهت با هم همانندند: ۱. هر دو توصیف‌شدنی‌اند؛ ۲. هر دو خصوصیت تعالی را برای نظاره‌کننده فراهم می‌کنند (روزنامه سیاست روز، ۱۳۸۰/۷/۱۶: ۸). به این دو مورد همانندی، چهارمورد همگونی را نیز می‌توان افزود: ۱. هر دو منشأ ماورایی و اشراقی دارند؛ ۲. هر دو حقیقی هستند نه اعتباری؛ ۳. هر دو از جنس نیازهای فطری انسانند؛ ۴. مخاطبان آن دو نیز فطرت‌های پاک و نیالوده دارند (رشاد، ۱۳۷۵: ۱۷-۱۶).

به هر حال نظریه "تنیدگی دین و هنر"، نسبت دین و هنر را به فراتر از نظریه ارتباط دین و هنر ارتقا می‌دهد. زیرا صرف ارتباط دو مقوله فضای لازم را برای بحث‌های تطبیقی نمی‌گشاید. در نظریه تنیدگی دین و هنر همان‌گونه که "شوان" معتقد است برای دین به‌طور کلی اهمیت هنر تقریباً به اندازه تفسیر و تأویل کتاب آسمانی است. از آن‌جا که دین نمی‌تواند ظهور و تجلی کند مگر توسط اشکال و صور و از آنجا که خواص خیلی بیشتر به تفسیر و تأویل کتاب آسمانی احتیاج دارند تا به هنر و اکثریت مردم برعکس، خیلی بیشتر به هنر محتاجند تا به عقاید حکمی و عرفانی و از آنجا که طبقه خواص از لحاظ جسمانی بر جامعه

اتکا دارد، افراد آن نیز احتیاج به هنر دارند (شوان، ۱۳۷۲: ۱۰۳). به عبارت دیگر هنر و دین به نوعی مکمل هم هستند؛ و نه دین می‌تواند تمام تعلیم و آموزه‌هایش را بدون تجسم و تصویر که کار هنر است، به انسان‌ها منتقل کند و نه هنر می‌تواند بدون پشتیبانی دین اقبال عمومی را به خود جلب کند. بنابراین ماجرای هنر هفتم و فرهنگ رضوی دقیقاً در همین چارچوب جای می‌گیرد. سینما به عنوان نماینده جامعه هنر و فرهنگ رضوی به عنوان الگویی از فرهنگ دینی را می‌بایست با نظریه تنیدگی دین و هنر مطالعه نمود و بر اساس آن همسویی‌های موجود و تعاملات ممکن را استخراج و تبیین نمود.

۴. سینمای دینی

سینمای دینی مفهوم خاص‌تر از هنر دینی است. "هنر دینی" هنری است که در آن عالم دینی با صورت خیالی و جلوه جمالی و جلالی متجلی می‌شود. یعنی یک اثر هنری، مظهری از جمال و جلال الهی است. در صورت خیالی و ذات هنر همین صورت خیالی است و دین نیز با جلوه و جمال الهی معنا می‌یابد (مددپور، ۱۳۷۸: ۲۳۱). اما از آنجا که سینما اخیراً به قافله هنر پیوسته است و خاستگاه غربی دارد، ترکیب آن با دین یا اسلام، نظر موافقان و مخالفان را برانگیخته است. در جانب مخالفان عده‌ای بر این باورند که:

سینمای دینی یا اسلامی وجود ندارد. اگر هم در جامعه ما مطرح شده به تبع آن است که در کشورمان یک انقلاب اسلامی واقع شده و طبیعی است که به دنبال هر چیز یک کلمه "اسلامی" بگذارند (کسانی، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

از نظر شهید آوینی نیز اصطلاح سینمای دینی وجهی ندارد اما با یک تبصره می‌توان آن را تحمل نمود. به بیان ایشان: «سینما شاید آنچنان که هست مسلمان شدن نباشد، اما می‌توان آن را به خدمت اسلام درآورد» (آوینی، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

اما در مقابل، بسیاری معتقدند که سینما و دین هیچ ناسازگاری با هم ندارند، تنها باید اندیشه‌های دینی را درست شناخت، آن‌گاه هیچ مشکلی وجود ندارد، بسیاری از واهمه‌های خیالی به خاطر جهل نسبت به سینما و دین است. چون دین هیچ ناسازگاری با توسعه ندارد. سینما هم زادگاهش غرب به معنای یک تفکر نیست و غرب هم زادگاهش فحشا نیست (سماک ایمانی، ۱۳۷۷: ۱۰۴). لذا نباید از مقارنت سینما و دین هراس داشت چرا که سینما به‌طور ذاتی پدیده‌ای پلید نیست و می‌توان همانند بسیاری از محصولات مدرنیته آن را به خدمت دین درآورد و از سوی دیگر زنگارهای غیردینی و شیطانی آن را با مفاهیم و آموزه‌های اسلامی تطهیر نمود. آن‌گاه شاید بتوان عنوان سینمای اسلامی را هم بر آن گذاشت؛ یعنی سینمایی که با نگاه اسلامی به ایده‌ها و سوژه‌ها می‌نگرد و در خدمت نشر تعلیم اسلام قرار دارد. چنین سینمایی:

به درستی از دین و اندیشه فرهنگ اسلامی نشئت خواهد گرفت. در آن میان هر فرهنگ بنا به اقتضای اندیشه‌های مذهبی‌اش بنا را به ساخت فیلم با الگوهای از پیش تعیین شده خود قرار داده است (کشان، ۱۳۸۳: ۹۵).

برون داد و محصول سینمای دینی، فیلم مذهبی است. همان‌طور که دوویکتور معتقد است: فیلم مذهبی باید رابطه خاص را با مسائل مقدس بیان کند و بتواند نادیدنی‌ها را دیدنی سازد. همچنین به عنوان معیار چنین فیلم‌هایی می‌توانیم بگوییم که فیلم‌هایی که در آن‌ها داستان ایمان با جست‌وجوی دینی، عامل و دلیل وجود سناریوست نیز فیلم مذهبی محسوب می‌شود (دوویکتور، ۱۳۷۷: ۹۲).

بخش مهمی از فرهنگ رضوی را یا بالاصاله عناصر دینی تشکیل می‌دهد و یا اینکه از سرچشمه دین سیراب می‌شود و حتی زندگی سیاسی و سیره فردی حضرت رضا به عنوان بخشی از تاریخ اسلام که خود عضوی از فرهنگ اسلام است، صبغه دینی پیدا می‌کند.

۵. پیشینه

در رابطه با فرضیه تلاقی هنر هفتم و فرهنگ رضوی تا به حال دو خلاء اساسی وجود داشته است:

الف. در حوزه تئوریک و تنقیح آنچه ما آن را همسویی‌ها و تعاملات هنر هفتم و فرهنگ رضوی می‌شناسیم، متأسفانه یک کار علمی و تحقیقی علی‌حده صورت نپذیرفته است. در حالی‌که واضح است چه بسیارند جنبه‌ها و ابعاد فرهنگ رضوی که هم سوژه‌هایش بگردند و هم تأثیرات آموزشی و تربیتی شایانی را در پی خواهند داشت. حقیقت آن است که در این حوزه دو منطقه جدا از هم به وجود آمده است. از یک سو محققان دینی، به‌ویژه مورخین تاریخ اسلام و ائمه (ع)، به ابعاد تاریخی و تحقیقی تاریخ معصومین (ع) به دیده هنری نمی‌نگرند و چه بسا میان این حوزه و حوزه سینما مرزی نفوذناپذیر را می‌شناسند و از سوی دیگر عوامل تولید فیلم، به ویژه فیلم‌نامه‌نویسان نه شناخت دقیق و کافی از زوایای هنر دینی و از جمله فرهنگ رضوی دارند و نه انگیزه‌ای برای گام برداشتن در این مسیر در آنان وجود دارد. در نتیجه فیلمی که محور آن را تبیین بُعدی از ابعاد زندگانی یکی از معصومین (ع) تشکیل دهد، تولید نخواهد شد و حال آنکه با توجه به ابعاد پربار زندگی چند ساله امام رضا (ع) و تجلیات ناشی از وجود بارگاه آن حضرت در ایران، انتظارات بسیاری از عوامل معتقد به سینمای دینی و علاقه‌مندان تاریخ اسلام وجود دارد.

ب. در حوزه عمل، به‌رغم حضور بیش از نیم قرن حضور صنعت و هنر سینما در ایران، تاکنون فقط یک فیلم مستند سینمایی و یک فیلم تلویزیونی در رابطه با امام رضا (ع) ساخته شده است. فیلم سینمایی "یا ضامن آهو" به کارگردانی پرویز کیمیایی، فیلم مستندی است که در

سال ۱۳۵۰ ساخته شد. کارگردان کوشیده است تا حس و حال روحانی و معنوی یک روز زیارتی را در حرم امام رضا(ع) به تصویر بکشد. فیلم خوش ساختی که نام خود را به مثابه یک مستند برتر تاریخ سینمای ایران، به ثبت رسانده است. در واقع این فیلم از میان عناصر فرهنگ رضوی، صرفاً فرهنگ زیارت آمیخته با معنویت را بر پرده سینما افکنده است (امامی، ۱۳۸۵: ۱۴۱). مجموعه تلویزیونی "ولایت عشق" به کارگردانی مهدی فخیمزاده که در سال ۱۳۷۶ ساخته شد، دومین و مهم‌ترین فیلم جدی در رابطه با امام رضا(ع) است. کارگردان کوشیده است تاریخ امامت حضرت رضا(ع) را از مدینه تا مرو و تا شهادت آن حضرت تبیین کند. این فیلم بلند هر چند به عناصر تشکیل دهنده فرهنگ رضوی در ضمن بازگویی بخشی از تاریخ اسلام پرداخته است اما این همه را می‌توان صرفاً کلی‌گویی‌هایی از فرهنگ رضوی به شمار آورد که کارگردان از طریق قاب تلویزیون درصدد انتقال آن به مخاطب.

همسویی‌های هنر هفتم و فرهنگ رضوی

۱. نگرش دینی

فرهنگ رضوی و هنر هفتم در نگاه به ماهیت و نقش دین در جهت واحدی قرار دارند. در خصوص فرهنگ رضوی امر واضح و مبرهن است. چنانچه گفته شد فرهنگ رضوی بخشی از فرهنگ اسلامی و در واقع الگویی از فرهنگی کلان است که تمام عناصر آن اسلامی و نشئت گرفته از قرآن کریم و سنت نبوی(ص) است. بر این اساس فرهنگ رضوی نه تنها به دین می‌نگرد که دین تمام حقیقت و شاکله آن را می‌سازد. تمام آنچه ما از فرهنگ رضوی برداشت می‌کنیم به عنوان ادامه سنت نبوی(ص) بر ما حجت خواهد بود و هر آن چه رنگ دینی و الهی نداشته باشد آن را مرتبط با فرهنگ رضوی نمی‌دانیم.

اما در رابطه با سینما؛ سینمای دینی نحله‌ای است که راه خود را از سینمای صنعتی و تجاری جدا نموده است. باورمندان به وجود سینمای دینی در میان مسلمانان، سینمای اسلامی را سینمای ایدئولوژیک می‌دانند.

سینمای ایدئولوژیک آن سینمایی است که به اسلام به عنوان یک مکتب همه‌جانبه، حداکثرگرایانه و جامع نگریسته‌اند و نگاهی ایدئولوژیک به دین داشته‌اند. نظریه دینداری این گروه، دین را محدود به درگیری انسان با خود و خدای خود نمی‌داند بلکه برای دین شأنی از شئون در جامعه بشری، نهادها و دستاوردهای آن قائل است (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

نگاه سینما به دین، دیدگاه خاص اندیشه‌وران هنر دینی اسلامی نیست، بلکه این نوع نگاه در میان فلاسفه غربی با هر تفسیری از دین نیز وجود دارد تا جایی که کسانی همانند "جان وبرد" سینما را یک نوع دین همگانی می‌دانند:

سینما گونه‌ای دین همگانی است که مشخصاً ما را با قهرمانان آشنا می‌سازد. ارزش‌ها و اسطوره‌های بنیادین جامعه امروز را به ما می‌آموزد. ما در حین تماشای شخصیت‌های روی پرده، الگوهایی را می‌آموزیم که طرح زندگی‌مان را بر آن‌ها بنا می‌سازیم. توجهی که افکار عمومی جامعه نسبت به شخصیت‌های سینمایی دارد، نمایانگر رابطه بشر فانی و نیمه خدایان است. زیرا در آن‌ها چیزهایی را می‌بینیم که در درون خویش حس کرده‌ایم، یا چیزهایی را که میل به تقلید آن‌ها در وجودمان ریشه دارد (جان وبرد، ۱۳۷۵: ۸۰).

۲. فرهنگ سازی

از آنجا که فرهنگ‌ها ذاتاً زاینده هستند، تکلیف فرایند فرهنگ‌سازی "فرهنگ رضوی" بسی روشن است. زیرا فرهنگی که ظرفیت‌ها و قابلیت‌های توسعه و انتقال را نداشته باشد را نمی‌توان فرهنگ دانست بلکه در حد مجموعه‌ای از ایده‌ها و باورهای راکد و محدود باقی خواهد ماند و یا اینکه در نهایت از بین خواهد رفت. در خصوص قابلیت فرهنگ‌سازی "فرهنگ رضوی" همین بس که دریابیم این فرهنگ پس از شهادت امام رضا(ع) چه تأثیرات شگرفی را بر سطح وسیعی از مردم برجای گذاشته است، چه خُرده فرهنگ‌هایی را در خود استحاله کرده و چه فرهنگ‌های باطلی را در تاریخ دفن نموده است. امروز فرهنگ ایرانی در حد وسیعی خود را مدیون فرهنگ رضوی می‌داند و این فرهنگ پس از هزار سال همچنان نقش سازندگی خود را حفظ کرده است. قدرت فرهنگ‌سازی فرهنگ رضوی به آن دلیل است که به باور بسیاری:

راهبرد عمومی امام رضا(ع) راهبرد فرهنگی بوده است. حضرت در تک تک مسائل زمانه‌اش تعامل فرهنگی و شیوه گفت‌وگو را انتخاب کرده بودند. جالب اینجاست که حضرت حتی در زمان ولایتعهدی که دارای قدرت سیاسی بودند، هیچ‌گاه از این قدرت برای حل چالش‌های زمانه‌شان استفاده نکردند (معموری، ۱۳۸۵: ۶۴).

در حقیقت وجه غالب رفتاری و گفتاری امام رضا(ع) رویکرد فرهنگی است. خوشبختانه روایات تاریخی مستند بسیاری از مواجهه ایشان با اقشار مختلف جامعه از خانواده گرفته تا صاحبان قدرت در دست است. در تمامی این برخوردهای امام، آموزش فرهنگی نمود عیانی دارد. فرهنگی که امام در پی ترویج آن بودند برگرفته از فرهنگ جامع دین بود که جریان‌ات سیاسی و کلامی تا آن زمان مانع معرفی آن به توده‌های مردم شده بود.

وجه فرهنگ‌سازی سینما روشن است. سینما عضوی از خانواده کلان هنر است. هنر هم از سویی بخشی از حقیقت فرهنگی یک جامعه و یک ملت را نشان می‌دهد و از سوی دیگر نقش سازندگی بسیاری دارد. سینما هرچند بسیار متأخر از دیگران به جرگه هنر پیوسته است اما چنان توسعه یافته و جوامع را درگیر خود ساخته است که می‌توان ادعا کرد که هم توان تخریبی و هم توان سازندگی خارق‌العاده‌ای را به‌دست آورده است. قدرت فرهنگ‌سازی سینما به آن

دلیل است که این هنر ابزاری فوق‌العاده آگاهی‌بخش است و روشن است که فرهنگ‌ها توسط آگاهی و دانش ساخته شده و توسعه می‌یابند. "لوتمن" در این مورد می‌نویسد:

در سینما هر چیز که متعلق به قلمرو هنر باشد، معنی دارد یعنی حامل نوعی آگاهی است. قدرت سینما در گونه‌گونه‌ای آگاهی‌های ساخته شده، به پیچیدگی سازمان یافته و به نهایت متمرکز نهفته است. هرچه که در طول نمایش فیلم مورد توجه قرار دهیم، هرچه که ما را به هیجان آورده و بر ما تأثیر می‌گذارد، معنی و دلالتی دارد. برای آموختن چگونگی فهم این معانی لازم است که بر نظام معانی تسلط یابیم (لوتمن، ۱۳۷۵: ۷۳).

سینما امروز گرچند خود از متن یک فرهنگ بر می‌خیزد، اما از آنجا که وجه دیگر سینما صنعتی بودن و تجارتي بودن آن است، به مدد فضاهایی که پدیده جهانی شدن در اختیار آن قرار داده است به سرعت مرزهای جغرافیایی را در می‌نوردد و به عنوان یک محصول فرهنگی جدید کوشش می‌کند که نقش سفیر فرهنگی یک جامعه را ایفا کند. روشن است که نقش فرهنگ‌سازی سینما تا زمانی است که حامل باورها و هنجارهای مثبت یک نگره فرهنگی بوده و شیوه تعامل فرهنگی را پیشه کند، در غیر این صورت سینما به ابزاری تخریب‌گر و حتی ضد فرهنگی تبدیل خواهد شد.

۳. انسان‌سازی

توجه به انسان و ابعاد وجودی او محور فرهنگ رضوی است و اصولاً فرهنگ‌های سازنده با جنبه انسانیت انسان سر و کار دارند و این انسان است که به عنوان زبان گویای فرهنگ‌ها به‌شمار می‌روند. بنابراین تا ابعاد انسانی آدمی کشف و پرداخته نشود، فرهنگی شکل نخواهد گرفت. در حقیقت آنچه را به عنوان فرهنگ رضوی می‌شناسیم ادامه فرهنگ نبوی است و همان‌گونه که پیامبر(ص) هدف اصلی رسالت‌شان تربیت انسان در زندگی دنیایی و برای زندگی اخروی بود، دقیقاً این وظیفه را حضرت امام رضا(ع) نیز انجام دادند.

حضرت رضا(ع) به عنوان یک حجت الهی و اسوه رفتار گاهی در برخوردهای خویش با دیگران به گونه‌ای عمل می‌کرد، تذکر می‌داد، عکس‌العمل نشان می‌داد، یا نکته‌ای از اسلام را گوشزد می‌فرمود که در چنین معاشرت‌ها، سازنده و تربیت‌کننده باشد و با عمل خود، دین خدا را در صحنه عینیت و در رفتار خویش نشان دهد (محدثی، ۱۳۷۹: ۲۲).

نمونه‌های فراوانی از برخورد حضرت با افراد و جریانات وجود دارد که حضرت با منش انسانی و اسلامی هدف تربیتی را تعقیب می‌نمایند و الگویی از انسان ساخته شده بر اساس آداب اسلامی و دینی را به نمایش می‌گذارند. چرا که انسان‌ها تحت تأثیر حس کمال‌جویی که در فطرت و سرشت او نفوذ و رسوخ دارد، به پیروی از انسان‌هایی راضی می‌شوند که درجات بیشتری از کمال را پشت سر نهاده و وجود خویش را به فضایل و صفات پسندیده بیشتری آراسته‌اند. انسان کمال‌گرا و ترقی‌خواه است، لذا به وسایلی که در مسیر تحقق بخشیدن به این خصیصه یار او باشد، دست می‌یازد (عباس مقدم، ۱۳۷۱: ۵۹).

به‌رغم نگاه بدبینانه‌ای که برخی از عالمان تربیت به سینما دارند، این هنر نقش غیرقابل انکار و حتی بی‌بدیلی در امر تربیت انسان‌ها دارد. در خصوص تربیت دینی از آنجا که جای تردید نیست هنر هفتم از اقبال عمومی بسیاری برخوردار است، پس این مسئولیت را سینمای دینی برعهده خواهد داشت. چه آنکه قدرت جادویی سینما هر امر قابل تصویری را می‌تواند به تصویر تبدیل کند خصوصاً آنکه مفاهیم و یا الگوهای تربیتی منتسب به دین باشد. اما اگر به سینمای غیردینی معتقد باشیم، بازهم نقش تربیتی آن بر اساس باورهای مشترک و خرد جمعی انسان قابل حاشا نیست چرا که بسیاری از هنجارها پیش از آنکه توسط ادیان آورده شده باشند، در فطرت انسان‌ها وجود داشته‌اند و سینمای غیردینی و حتی سینمای شدیداً تجاری ناگزیر است حتی‌المقدور از دایره هنجارها و قواعد مورد احترام تمام ملت‌ها خارج نشود و نقش تربیتی و آگاهی‌بخشی‌اش را مطلقاً قربانی سودجویی‌های دنیوی نکند. زیرا وجدان فطری بشر به هنری که باورها و ارزش‌های انسانی در آن بازتاب نداشته باشد، اقبالی نشان نمی‌دهد.

۴. اخلاق‌گرایی

اخلاق از عناصر مهم فرهنگ رضوی به‌شمار می‌رود. از آن جهت که:

مکارم اخلاقی و شایستگی رفتاری امام رضا(ع) بسیار است و هر کدام از آن‌ها درسی بزرگ برای سلوک فردی و اجتماعی است. در رابطه با نوع سخن گفتن، نوع نشستن در مجلس، آداب غذا خوردن، خوابیدن، اتفاق کردن، تلاوت قرآن، جامه پوشیدن، نماز خواندن و ... نمونه‌هایی از صفات و کمالات برجسته امام است که به گزارش روایات تاریخی و احادیث متواتر حاکی از سلوک فردی آن حضرت بر اساس درک و فهم از حقایق ارزش‌های الهی و انسانی دارد. نمونه‌های فراوانی از این ریزه‌کاری‌های سلوک و منش فردی در کتاب‌های روایی نقل شده است (مجلسی، ج ۴۹: ۲۰۴ و ۹۷ و ۹۴ و ۹۰-۸۹).

به‌طور خلاصه نقش اخلاق فردی و جمعی مبتنی بر آموزه‌های دینی و الهی چنان در فرهنگ رضوی برجسته است که می‌توان میان آن دو نسبت عینیت قائل شد و فرهنگ رضوی را نه فرهنگ اخلاق‌گرا که فرهنگ اخلاقی دانست.

در رابطه با هنر هفتم، بحث گرایش اخلاقی سینما معرکه آراست. غالب نظریه‌پردازان هنر هفتم بر این باورند که سینما می‌تواند کارکرد اخلاقی هم داشته باشد. از این رو سه مشرب اخلاقی را برای سینما برشمرده‌اند:

۱. اخلاق بر مبنای شهود و بدهت که خوب و بد را تعریف ناپذیر می‌داند.
۲. اخلاق بر مبنای احساس؛ این مشرب به هیچ‌وجه جایی برای عقلانیت اخلاق باقی نمی‌گذارد.

۳. اخلاق بر مبنای هدایت؛ قائلین این نظریه، گفتار اخلاقی را نه صرفاً اخبار اخلاقی بودن بعضی صفات می‌دانند و نه آن را عاملی برای نفوذ و تحت تأثیر قرار دادن احساسات یا جهت گیری‌های مردم تلقی می‌کنند، بلکه معتقدند که اساس گفتار اخلاقی در تأثیر و ایجاد و انفعال نیست، در هدایت است. این نظریه برخی افعال را جایز و برخی را ناجایز می‌داند.

هر سه نظریه فوق مبتنی بر این است که سینما کارکرد اخلاقی هم می‌تواند داشته باشد. اگر کارکرد اخلاقی آن را منکر شویم، طبیعتاً جایی برای سخن گفتن از این نظریه‌ها باقی نمی‌ماند (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵۲). ولی انکار اخلاق‌گرایی سینما به منزله انکار خود سینماست زیرا که سینما با اخلاق فردی و جمعی درآمیخته و خواه‌ناخواه هنجارها و ناهنجاری‌های برگرفته از حقایق موجود در یک جامعه را به نمایش می‌گذارد. به بیان شهید آوینی:

سینما چه بخواهد و چه نخواهد در خدمت تبلیغ و تربیت است و فیلم‌های سینمایی لاجرم در باطن خویش وفادار به مضمون یا پیام‌های اخلاقی و یا ضد اخلاقی خواهند بود. ... هر فیلم در نهایت نسبت به همان تعهداتی که فیلمساز داشته است، متعهد است و تعهدات فیلمساز هم چه به‌طور مستقیم ظهور یابند و چه غیر مستقیم، هویتی اخلاقی و ضد اخلاقی خواهند داشت (آوینی، ۱۳۶۸: ۶۰ و ۵۸).

همسویی فرهنگ رضوی با هنر هفتم در اخلاق‌گرایی آن است نه جنبه ضد اخلاقی آن.

سینمای اخلاقی، سینمایی است که به نظام بایدها و نبایدهای خاص تعلق دارد؛ بعضی مسائل را جایز می‌داند و بعضی را غیر جایز، بعضی کارها را وظیفه می‌داند و بعضی را حرام و مسائل را در چارچوب یک نظام ارزشی، مکتب یا ایدئولوژی توجیه و تفسیر می‌کند (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵۰).

۵. رمزگرایی و نمادگرایی

در ماورای عناصر ظاهری فرهنگ رضوی، رموز و نمادهایی نهفته است که درک و بینش انسان را نسبت به خود و نسبت به جهان ارتقا می‌دهد. فرهنگ رضوی پر راز و رمز است چرا که دین این‌گونه است و دین ملامال از راز و رمز است چون دنیا چنین است.

آیه بودن موجودات حاکی از نشانه بودن آن‌ها برای خدا و حقایق فوق طبیعی است. بنابراین کشش رمزگرایی در طبیعت ما نامحدود است و جهان طبیعت، جهان رمز و مثال است و بینش دین نسبت به عالم طبیعت و محسوسات بینش مبتنی بر رمز است (جلالی، ۱۳۷۷: ۱۴).

در فرهنگ دینی که فرهنگ رضوی از دل آن سر بر آورده رمز، رمزگزینی و نمادگرایی جایی خاص دارد. روایات مربوط به معراج پیامبر پر از نماد و رمز است. نمادگان در مناسک دینی فراوانند مثلاً حج دنیایی از رمزهاست (رشاد، ۱۳۷۵: ۳۲). یکی از پژوهشگران حوزه هنر دینی در رابطه با ویژگی نمادین فرهنگ دینی می‌نویسد:

اساساً فرهنگ‌های دینی در یک امر مشترکند و آن جنبهٔ سمبلیک آنهاست، زیرا در همه آنها جهان سایه‌ای از حقیقتی متعالی است. سمبل در اینجا در مقام دیداری است که از مرتبهٔ خویش نزول کرده است تا بیان معانی متعالی کند. این معانی جز با این سمبل‌ها و تشبیهات به بیان نمی‌آیند. هم‌چنان که قرآن برای حقایق معنوی به زبان رمز و اشاره سخن می‌گوید (مددپور، ۱۳۶۸: ۶۱).

در فرهنگ رضوی نیز رموز و نمادها را هم در گسترهٔ فرهنگ دینی و هم در گسترهٔ اندیشهٔ دینی به وضوح شاهدیم. یعنی اگر ساحت فرهنگ و اندیشه را از هم جدا کنیم در هر دو ساحت حضور نمادها را مشاهده خواهیم کرد. پاره‌ای از اقدامات زندگی حضرت رضا(ع) رمزآلودند و نمی‌توانیم آنها را از طریق توجه به نمادها تفسیر کنیم. برای مثال حرکت از مدینه به سوی مرو. در کتب روایی (بحارالانوار، ج ۴۹: ۱۲۱). آمده است که امام رضا(ع) در مسیر راه یکی از محله‌های نیشابور به نام "بلاش‌آباد" در خانهٔ پیرزنی به نام پسند درخت بادامی کاشتند که برای سال‌ها مردم از آن می‌خوردند و به آن تبرک می‌جستند. این در حقیقت یک کار نمادین است تا به وسیلهٔ این کار توجه دائمی مردم به مکتب اهل بیت(ع) جلب شود (الویری، ۱۳۸۵: ۱۷). و یا اینکه در اجتماع عظیم مردم نیشابور امام جمله‌ای رمزآلود و سمبلیک فرمودند که دنیایی از معانی را با خود به همراه داشت. آنجا که فرمودند:

«کلمة لا اله الا الله حصنی، فمن قالها دخل حصنی و من دخل حصنی امن من عذابی، آنگاه پس از مکتبی کوتاه ادامه دادند: بشرطها و شروطها و انا من شروطها» (مجلسی، ج ۴۹، ۶-۱۲۳).

در حوزهٔ هنر هفتم، رمزگرایی در حوزهٔ نشانه‌شناسی سینما قابل طرح است. پیچیدگی رازگونه باعث شده که نشانه‌شناسی به کمک فهم اهداف واقعی یک فیلم بشتابد. "والن" در این زمینه می‌نویسد:

در سال‌های اخیر علاقهٔ پر دامنه‌ای به نشانه‌شناسی سینما، به این مسئله که آیا امکان دارد نقد سینما و زیباشناسی را حوزه‌ای از علم عام نشانه‌ها (Signs) مستحیل کنیم، پدیدار شده است. به نحو افزون شونده‌ای آشکار شده که نگره‌های سنتی زبان سینما و دستور زبان سینما، که خود به خود در طول سال‌ها رشد یافته‌اند، نیازمند بررسی مجدد و ربط دادن با اصول پا گرفته زبان شناسی‌اند (والن، ۱۳۶۳: ۱۱۶).

در نشانه‌شناسی با سه نوع نشانه سر و کار داریم؛ شمایی، نمایه‌ای و نمادین (ایازی، ۱۳۷۷: ۲۵۷)، که در اینجا مقصود نوع نمادین آن است. بنا به تعریف والن، نماد نوعی نشانهٔ تعبیدی است که از چنگ اراده فردی می‌گریزد. این نشانه نه نیازی به شباهت با موارد ادراکش دارد و نه نیازی به هیچ‌گونه پیوند وجودی با آن. قراردادی است واجد نیروی قانون (والن، ۱۳۶۳: ۱۲۲).

از آنجا که انسان و جهان خاستگاه مشترک امور دینی و هنری‌اند و دین تا حدود زیادی نگرش انسان نسبت به جهان را تعیین می‌کند، نمادهای دینی در سینما که توسط تکنیک‌های

سینمایی انجام می‌پذیرد با نمادهای نهفته در فرهنگ دینی رضوی همسویی پیدا می‌کنند. تعدادی از نمادهای دینی در عرصه سینما عبارت‌اند از:

- دوربین؛ حرکت دوربین، صدا، نور و تصویر عناصری هستند که نقش اول را در بیان رموز دینی ایفا می‌کنند.

- حرکت کند شده فیلم؛ در بیان حالات روحانی انسان و تصویر رويا و حرکت متوقف شده در بیان مختصات عالم ماورایی کاربرد دارد.

- تار شدن تصویر؛ برای بیان حالات درونی و اغما و احتضار به کار می‌رود.

- روی هم انداختن تصویر؛ استغراق انسان در خود و مرور به خود و تأمل وجدانی را در پی دارد.

- از صدا می‌توان صورت استعاره‌ای را برای بیان حالات درونی، اشراق و ابتهال بهره جست. - تصاویر؛ که گزینش برخی صحنه‌ها و اشخاص گویای بسیاری از مفاهیم دینی است (جلالی، ۱۳۷۷: ۳۲).

۶. کارکرد رسانه‌ای

خصلت رسانه‌ای فرهنگ‌ها عامل انتقال آن به نسل‌های بعدی و تضمین‌کننده سازندگی آن است. در این میان فرهنگ‌هایی که با دین آمیخته و پرداخته شده‌اند، بدون ترویج و تبلیغ، اهداف جهان‌گستری‌شان را نمی‌توانند تعقیب کنند. فرهنگ رضوی به عنوان الگویی از فرهنگ اسلامی با کارکردهای فراوان تبلیغی که در آن مشاهده می‌شود، فرهنگی کاملاً رسانه‌ای است. زیرا که سراسر زندگی اجتماعی و سیاسی شخص امام رضا(ع) با فراز و نشیب‌هایی همراه است به گونه‌ای که نام ایشان از زمان امامت تا شهادت‌شان در صدر اخبار جریانات آن روزگار دیده می‌شود و به دلیل همین ویژگی مورخین بسیاری از ابعاد زندگی و سیره‌های فردی و اجتماعی آن حضرت روایت‌های بسیاری را نقل کرده‌اند. یکی از پژوهشگران دینی معاصر بُعد رسانه‌ای امام رضا(ع) را این‌گونه تشریح می‌کند:

اگرچه همه امکانات و ابزار رسانه‌ای آن زمان در اختیار مأمون بود و در کنار این نهضت ترجمه نیز به نوعی به حمایت ایدئولوژیک حکومت می‌پرداخت و عالمان ادیان و مکاتب گوناگون در خدمت مأمون بودند و همه ابزار و اسباب، امکانات و لوازم برای توجیه حاکمیت و ترویج افکار او فراهم بود، امام از تمام لحظه‌هایی که پیش می‌آمد، بیشترین بهره را می‌بردند، به گونه‌ای که اگر از همان آغاز هجرت از مدینه به مرو تا آخرین روز حیات ایشان نگاه کنیم، یک جریان هدفمند رسانه‌ای به چشم می‌خورد و مگر نه اینکه هدف رسانه، رساندن محتوا و تولید و توزیع شایسته پیام است و روش هنرمندانه امام به آنجا رسید که همگان از ناراضیتی ایشان از ترک مدینه آگاه شدند و به نوعی همایش بدرقه برگزار کردند و همین‌طور تا زمانی که امام به مرو رسید (واقعی، ۱۳۸۵: ۲).

در واقع اندیشمندانی که محورهای هنری، صنعتی و تجاری سینما را مطالعه می‌کنند، به آن دلیل است که نیک می‌دانند که این پدیده در جهان رسانه‌ها چه جایگاه مهمی دارد. «در بین هنرهای جدید، سینما بیش از هرچیز با ارتباطات جمعی پیوندی ناگسستنی دارد. هرچند که در همه هنرها، قصد هنرمند از همان آغاز، برقراری ارتباط با دیگری است، اما فیلم به گونه‌ای است که اصولاً برای نمایش ساخته می‌شود» (هاشمی، ۱۳۷۸: ۲۲۴). بنابراین رویکرد نمایش فیلم، صرف‌نظر از هر محتوایی که داشته باشد سینما را به شدت رسانه‌ای نموده است، آن هم در زمره رسانه‌های گروهی بسیار پر مخاطب که به دلیل خصایل ذاتاً جذابی که فیلم با خود دارد، به سرعت مرزهای جغرافیایی را در می‌نوردد و خود را به کورترین نقاط بشرزیست جهان می‌رساند. در واقع سینما به عنوان عضوی از خانواده رسانه‌های تصویری ماهیتی دارد که پیش از آنکه انسان آن را بفهمد آن را دریافت می‌کند به گونه‌ای که فیلم‌هایی که بر پرده سینما می‌افتند و یا از قاب تلویزیون نشان داده می‌شوند، به شدت جهان پیرامون انسان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. «موناکو» در این زمینه می‌نویسد:

تکامل رسانه‌های ضبط کننده از لحاظ تاریخی همان اهمیت اختراع الفبا در هفت هزار سال پیش را دارد. عکاسی، فیلم و ضبط صوت، دورنمایی تاریخی ما را دگرگون ساخته و کاربرد نشانه‌ها و قراردادهای زبانی را بیش از پیش ممکن ساخته است (موناکو، ۱۳۷۱: ۲۲).

تعاملات هنر هفتم و فرهنگ رضوی

هر آنچه در مبحث دوم گذشت همسویی‌ها و نقاط عزیمت مهمی بود که فرهنگ رضوی و هنر هفتم واجد آن بودند. حال از تعاملات و مبادلاتی بحث خواهیم نمود که از یک سو نقش هنر هفتم در معرفی و ترویج فرهنگ رضوی و از سوی دیگر تأثیرات فرهنگ رضوی بر هنر هفتم مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. نقش هنر هفتم در معرفی و ترویج فرهنگ رضوی

۱.۱. محمل اندیشه و معارف رضوی

در شرایط کنونی هیچ هنری مانند سینما در جهان نمی‌تواند محملی برای انتقال افکار و اندیشه‌ها قرار گیرد. زیرا سینما هنری است که در آن تفکر و اندیشه‌پروری از راه تصویر و صدا از طریق همه گونه بیان اعم از صریح و نمادین صورت می‌گیرد. سینمای اندیشه بیشتر جاذبه و قوت خویش را از محتوی می‌گیرد تا تکنیک، اما جهت بیان محتوی و مضمون خویش تکنیک لازم را در اختیار گرفته و از آن بهره‌گیری تمام می‌کند. از سوی دیگر اندیشه و تفکر رضوی بخش مهمی از مجموعه فرهنگ رضوی را تشکیل می‌دهد و انسان امروز که در لابه‌لای اندیشه‌ها و ایسم‌های رنگارنگ گرفتار شده است، نیازمند بازگشت به اندیشه دینی است. به پندار ما اندیشه و معارفی که از امام رضا(ع) برجای مانده از آنجا که منشأ الهی دارد هر چه

بیشتر و از مسیرهای گوناگون باید نشر و به جامعه شناسانده شود. آیت‌الله مکارم شیرازی در رابطه با بعد علمی و اندیشه‌ای امام رضا(ع) می‌فرمایند:

زندگی امام علی بن موسی الرضا(ع) ابعاد مختلفی دارد که یکی از ابعاد مهم آن بُعد علمی و فرهنگی و پاسداری از حریم عقاید اسلامی، در برابر امواج سهمگین حملات مکتب‌ها و فرق مختلف؛ در شرایط خاص عصر آن حضرت بر ضد اسلام است که بعد از ولایت کلیه الهیه آن امام(ع) نشأت می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۰۴ق: ۵).

در شرایط کنونی یکی از بهترین مسیرها استفاده از توان هنر هفتم در این زمینه و استمداد از سینمای اندیشه است. سینمای اندیشه به مدد تکنیک‌ها و فناوری‌های گسترده‌اش در پس نمایش‌های ظاهری‌اش، می‌تواند معارف بلند و اندیشه‌های پُر دامنه مانند مناظره‌ها، محتوای تألیفات و... که اسناد روایی بسیاری در خصوص آن‌ها وجود دارد را از راه تطبیق معقولات به وسیله تجسیم و تشبیه به جامعه و نسل‌های بعدی معرفی کند. علامه جعفری در رابطه با این شیوه می‌فرمایند:

تطبیق معقول به وسیله تشبیه و تجسیم و تنظیر و تمثیل به محسوسات در همه علوم انسانی به خصوص در ادبیات چه در قلمرو نثر و چه در قلمرو نظم وجود دارد. معنی این آرمان این است که اکثریت بسیار چشمگیر مردم حتی عده فراوانی از رشد یافتگان مغزی و روانی علاقه شدید به نمودار ساختن حقایق معقول در صور و اشکال و نمودهای محسوس دارند (جعفری، بی‌تا: ۴۰).

۱.۲. معرفی شخصیت و امامت امام رضا(ع)

شخصیت هر کس در حقیقت نشانه فرهنگ اوست و بالعکس. از این رو آشنایی با فرهنگ رضوی تا حدود زیادی توسط شناخت شخصیت حضرت رضا(ع) صورت می‌گیرد. اینکه ایشان از نوادگان پیامبر اسلام هستند، اینکه فرزند هفتمین امام هستند، اینکه ایشان امام هشتم شیعیان هستند، اینکه خصال نیکو و اخلاق فردی و جمعی اسلامی و انسانی ایشان گستره حقیقی زندگی‌شان را تشکیل داده است، محورهای اصلی شناخت شخصیت حضرت است. همین‌طور طیفی وسیع از عناصر فرهنگ رضوی در دوران امامت امام رضا(ع) که منشأ الهی دارد نهفته است. دوره امامت امام رضا(ع) از بسیاری جهات خاص است. یکی از اندیشمندان این دوره را چنین ترسیم می‌کند:

می‌توان گفت در دوره امامت امام رضا(ع) عظمت اسلام با وجود مقدمش تجدید می‌شود و دوره او بزرگ‌ترین دوره پیشرفت اسلام را نشان می‌دهد. ظهور این شخصیت بزرگ در عصری اتفاق افتاد که تمدن اسلام بالاترین مدارج ترقی را پیمود. بنابراین دوران و شرایطی که حضرت در آن به سر می‌برد از بسیاری جهات خاص است (خوشنویس، ۱۳۵۹: ۳۱).

هنر هفتم که از بسیاری جهات می‌توان آن را دانشگاه عمومی دانست، در معرفی شخصیت و حقیقت امامت امام رضا (ع) نقشی بسیار پر بار و تأثیرگذار ایفا می‌کند. مجموعه تلویزیونی "ولایت عشق" هر چند زوایایی از شخصیت و امامت آن حضرت را به نمایش درآورد، اما شناساندن شخصیت و بُعد امامت امام رضا (ع) نیازمند کاری ویژه و تخصصی، هزینه‌بر و زمان‌بر است. محققان بسیاری در کتاب‌های‌شان ابعاد شخصیتی و ولایت امام رضا را شکافته‌اند اما چه سود که این همه از منظر عامه مردم پنهان مانده و بسیاری از مردم در رابطه با شناخت شخصیت و امامت آن حضرت اطلاعات بسیار اجمالی دارند. به هر حال کاری که محققان و عالمان تاریخ اسلام نتوانسته‌اند آن را به صورت عمیق وارد باورهای عامه مردم کنند، از عهده هنر هفتم برخواهد آمد. زیرا همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم هیچ مفهوم و موضوعی نیست که سینما با امکانات و تکنیک‌های فراوانی که در اختیار دارد نتواند آن را به مخاطب منتقل کند.

۳. ۱. معرفی سیره فردی امام رضا(ع)

همان‌گونه که در تعریف فرهنگ آمده، منش و رفتار شخصی قسمتی از شاکله فرهنگ را تشکیل می‌دهد. منش و رفتار فردی حضرت رضا (ع) که تحت عنوان سیره فردی از آن یاد می‌شود نیز بخشی از فرهنگ رضوی را به خود اختصاص داده است. مقصود از سیره فردی در اینجا منش‌ها و رفتاری است که در زندگی حضرت سوای تعامل با دیگران به ثبت رسیده است که می‌تواند الگویی برای زندگی شخصی بشر تلقی شود. آنچه که در کتب روایی وجود دارد به خوبی گویای اهمیت حضرت نسبت به امورات شخصی‌شان است. برای مثال بر اساس نقل روایات متواتر حضرت بسیار ساده زیست اما از نظر ظاهری آراسته بودند، دانش دوست و اهل تفکر بودند، در عبادات و به‌خصوص نماز اول وقت بسیار مقید بودند، در زمینه اقتصادی از اسراف بسیار پرهیز می‌کردند و خود برای تأمین زندگی‌شان تلاش می‌کردند و... (ر.ک. حکیمی: ۱۳۸۳ و پاک نیا: ۱۳۸۴). همه این‌ها گدهایی از روش و منش شخصی امام است که جای پردازش و نمایش آن در فضای هنر هفتم بسیار خالی است و حال آنکه این حوزه از فرهنگ رضوی از آنجا که مربوط به زندگی روزانه حضرت است، به سهولت قابلیت تبدیل به فیلمنامه و سپس فیلم شدن را دارد و از آنجا که زندگی فردی یک معصوم را منعکس می‌کند، الگویی از اخلاق و منش الهی و انسانی را در اختیار مخاطبین می‌گذارد.

۴. ۱. معرفی سیره اجتماعی امام رضا(ع)

آنچه از سیره اجتماعی امام رضا(ع) به ما رسیده است، بیشتر و پر دامنه‌تر از سیره فردی آن حضرت است. زیرا تمام مواجهات حضرت با اشخاص و جریانات شامل خانواده، غلامان، زنان، همسایگان، میهمانان، شیعیان، پیروان مکاتب دیگر، خلفا و دولتمردان و... در این حوزه جای می‌گیرند. خوشبختانه روایات تاریخی که اغلب وجهه داستانی دارند در کتب روایی

خصوصاً جلد ۴۹ بحارالانوار، عیون اخبارالرضا و مسندالرضا به وفور نقل شده است که هر کدام از رفتارهای امام در تعامل با افراد و اقشار مختلف اجتماعی بسیار آموزنده و دارای پیام است. براساس روایات این نکات در تعاملات امام (ع) با دیگران محوریت دارند: ارزش‌گذاری به کرامت انسان، ارشادات اخلاقی، ترغیب به عفو و گذشت، آموزش میهمان‌نوازی، شیوه خدمت‌رسانی به مردم، دوراندیشی و شناخت زمان، تکریم بانوان، حراست از حقوق مردم، راهنمایی ازدواج، ظلم‌ستیزی، مناظرات منطقی با افراد و جریانات فکری، اهمیت عبادات جمعی، انفاق و دستگیری از بینوایان، تأکید بر برادری اسلامی، مردم‌باوری، ارزش‌گذاری به تقوا، موضع‌گیری در برابر بستگان فاسد و... بنابراین دامنه وسیع سیره اجتماعی امام رضا (ع) که در روایات تاریخی و داستانی بازتاب یافته است، موقعیت بسیار مناسبی را در اختیار سینماگران دینی قرار می‌دهد تا هر یک از محورهای فوق را در قالب فیلم‌های مستند، داستانی، کوتاه و حتی بلند برای مخاطبین پرشمار و تشنه دانایی از سیره و سلوک اجتماعی معصومین (ع) معرفی و تبیین نماید امری که دیگر رشته‌های هنری و غیرهنری تا این اندازه قابلیت انجام آن را ندارند.

۱.۵. معرفی ابعاد معنوی امام رضا (ع)

هر چند که عناصر مادی پیکره یک فرهنگ را می‌سازند اما فرهنگ‌ها زوایای نامریی دارند که در حقیقت روح آنها را تشکیل می‌دهند. این مطلب در رابطه با فرهنگ رضوی نمود بیشتری دارد به آن دلیل که فرهنگ رضوی خاستگاه الهی و وحیانی داشته که این امر به دیگر عناصر این فرهنگ رنگ معنوی می‌دهد. در رابطه با معنویت الهی امام رضا (ع) همین بس که وقتی فردی به ایشان می‌گوید: به خدا قسم تو بهترین مردمانی، امام در جواب می‌فرماید: فلانی قسم نخور؛ بهتر از من کسی است که در برابر خداوند باتقواتر و مطیع‌تر باشد. به خدا سوگند این آیه قرآن (سوره حجرات، آیه ۱۳) نسخ نشده است که می‌فرماید: و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتقیکم (مجلسی، ج ۴۹، ۱۴۰۳: ۹۵).

جنبه دیگر بُعد معنوی حضرت معجزات و کرامات آن حضرت است که در کتب روایی نمونه‌های فراوانی از آن نقل شده است، اطلاق لقب "ضامن‌آهو" به حضرت اشاره به این مطلب دارد. ضمن آنکه بعد از شهادت حضرت، آرامگاه‌شان در مشهد ملجأ و پناه روحی و قبله حاجات پیروان مکتب تشیع به شمار آمده و عنایات و کرامات بسیاری نسبت به زائرین و علاقه‌مندان امام رضا(ع) به ثبت رسیده است. در واقع فضایل معنوی امام برگرفته از مقام امامت و عصمت ایشان است که به عنوان بندگان برگزیده خداوند، صاحبان کرامت‌عالیه شده‌اند.

از آنجا که دین هنر را برای تبیین جنبه‌های معنوی و غیرقابل بیان خویش به خدمت گرفته است، انعکاس شخصیت معنوی و کرامات حضرت رضا (ع) از دریچه هنر هفتم امر ناممکنی نیست. خصلت رمزگرایانه هنر هفتم و تکنیک‌های مختلفی که از آن بهره‌مند است، این امکان را

ایجاد می‌کند که سینمای دینی در کنار پردازش به دیگر ابعاد وجودی امام رضا (ع) به مسائل معنوی به‌خصوص داستان‌های مستندی که در رابطه با کرامات و معجزات آن حضرت وارد شده است پردازد که نمونه روشن آن ماجرای نماز معروف باران حضرت بود که در فیلم «ولایت عشق» تجلیاتی از آن به نمایش درآمد.

۶. ۱. معرفی فرهنگ زیارت و میراث فرهنگی رضوی

سنت زیارت مرقد و بارگاه امام رضا(ع) از اجزای انکارناپذیر فرهنگ کلان و جامع رضوی است. در پس زیارت ظاهری مرقد حضرت، معنی و مفاهیم بسیاری نهفته است.

نزدیکی به قبر و زیارت آن حضرت خواصی دارد که هیچ‌گاه در حال دوری اثر مزبور دست نمی‌دهد، گو اینکه توسل و استمداد از ارواح بزرگان و اولیا در همه حال، اگر چه از جایگاه دفن و قبور آنان دور باشد خالی از لطف نیست. بدون تردید در اثر زیارت مشاهد ایشان توجهات معنوی و اشعه تأثیرات‌شان به شخص زیارت‌کننده می‌رسد، اگرچه خود زیارت‌کننده آن را احساس نکند (خوشنویس، ۱۳۵۹: ۱۸۶).

از سوی دیگر اموراتی که تحت عنوان میراث فرهنگی امام رضا (ع) شناخته می‌شوند، بسیار درخور توجه‌اند. دو کتاب گران‌بها تحت‌عنوان رساله ذهبیه در باب بهداشت و درمان و علل الاحکام در خصوص تشریح فلسفه احکام الهی که منسوب به آن حضرت است، به عنوان میراث علمی - فرهنگی رضوی به شمار می‌روند. آنچه که امروز در هنر معماری بارگاه رضوی و اماکن مرتبط مشاهده می‌شود و همین‌طور موقوفات حضرت رضا (ع) دیگر بخش‌های میراث فرهنگی رضوی را تشکیل می‌دهند. واقعیت آن است که اطلاعات عامه مردم نسبت به این مسائل در حد ابتدایی قرار دارد. بنابراین بازهم هنر هفتم در این زمینه مسئولیت پیدا می‌کند. چنان‌چه گفتیم منظور از هنر هفتم تنها فیلم‌های سینمایی نیست بلکه مراد هر آن چیزی است که قابلیت به فیلم درآمدن و روایت‌گری را داشته باشد. در خصوص فرهنگ زیارت و میراث فرهنگی رضوی، تهیه فیلم‌های مستند و روایی شاید بهترین راهکار باشد.

۲. تأثیرات فرهنگ رضوی بر هنر هفتم

۱. ۲. تعمیق باورها و کرامت انسانی

بدون تردید باور انسان‌ها و احترام به کرامت آنان در اندیشه و رفتار اجتماعی امام رضا(ع) منزلت رفیعی دارد. روایات تاریخی که از شیوه عمل امام در دست است به خوبی این مسئله را تأیید می‌کند. امام رضا (ع) در برخورد با انسان‌ها حرمت آن‌ها را پاس می‌داشتند و هرگز اجازه نمی‌دادند کیان کسی شکسته شود و انسانی کوچک به حساب آید. این امر در رابطه با برخورد حضرت با زیردستان و مستضعفان قابل درک است. از جمله؛ «غلامان‌شان را هنگام غذا خوردن به کاری دستور نمی‌دادند» (مجلسی، ج ۴۹: ۱۰۲)، «خود با غلامان بر سر یک سفره می‌نشستند»

(همان: ۱۰۱)، «به درخواست فردی او را در حمام کیسه کشیدند و هنگامی که آن شخص امام (ع) را شناخت و شرمنده گشت، او را دلداری دادند و هم چنان او را کیسه می کشیدند» (همان)، «هنگام کمک به در راه مانده‌ای از او خواستند تا چهره‌اش را بپوشاند تا نیازمندی او را به خجالت نیندازد» (کلینی، ج ۴، ۲۴). این نگاه بلند به جایگاه و احترام انسان است. در دنیایی که انسانیت انسان برای مقاصد دنیایی و با حربه‌های بسیار پایمال می‌شود و فرهنگ قدرت و ثروت در حال جهان‌گیر شدن است و همه چیز از جمله هنر هفتم در راستای قربانی کردن هویت و کرامت انسان به خدمت گرفته شده‌اند، بازگشت به تعالیم و آموزه‌های فرهنگ دینی و از جمله فرهنگ رضوی چاره کار است؛ فرهنگی که در آن انسان هدف است نه ابزار. فرهنگی که آن سینما و فیلمی را تأیید می‌کند که در آن طبقه‌بندی انسان‌ها، برده‌داری نوین، ارزش‌مداری نژاد و ثروت محکوم می‌شود و روح برادری و برابری و احترام انسانی را در کالبد هنر هفتم می‌دمد. بنابراین سینمای دینی، آن‌چنان دینی نخواهد بود مگر اینکه خود را با شاخصه‌های دین که در فرهنگ رضوی از جمله در رابطه با کرامت انسان بازتاب یافته، تطبیق دهد.

۲.۲. ترویج معنویت گرایی

در واقع به دلیل جنبه هنری سینماست که روح و ضمیر انسان با آن ارتباط برقرار می‌کند «اما خطری که در صورت متروک نهادن معنویت، هنر و موضوعات مرتبط با آن را تهدید می‌کند، تفسیر مادی‌آرایی است که در مقوله هنر از ارزش و اهمیت در خور توجهی برخوردار است» (نقی‌زاده، ۱۳۷۸: ۵۲). و از آنجا که هر هنری به‌ویژه هنر هفتم مصداق تیغ دو لبه است که می‌تواند عامل عروج و تعالی انسان و هم می‌تواند عامل اضمحلال و سقوط انسان شود، ارزش و اهمیت معنویت در هنر خود را نشان می‌دهد. غلبه بُعد سخت‌افزاری هنر هفتم بر بُعد نرم‌افزاری آن به معنای غلبه بُعد مادی آن بر بُعد معنوی نیز هست که در این صورت سینما و فیلم در حد محصولات نه فرهنگی، بلکه مصرفی تنزل خواهد یافت. از این رو به مصلحت انسان است که هنر هفتم هر چه بیشتر با معنویت آمیخته شود زیرا در صورتی که سینمای معنوی نداشته باشیم، سینمای دینی نیز نخواهیم داشت. این به آن دلیل است که کارکرد اصلی دین، کارکردی معنوی و روحانی است. ادعای ما این است که تجلیات معنوی موجود در فرهنگ رضوی به‌خصوص ویژگی‌های معنوی حضرت رضا (ع) می‌تواند روح معنویت و عرفان الهی را به پیکر هنر هفتم بدمد و زنگارهای دنیایی آن را بزدايد و آن را به مسیر هنری که با دین و معنویت تنیده شده است، بازگرداند. این امر زمانی ممکن خواهد شد که حوزه‌های معنوی فرهنگ رضوی برای دست اندرکاران هنر هفتم شناخته شده باشد.

۳.۲. ایده‌دهی و سوژه‌پردازی بکر و مستند

ایده‌دهی و سوژه‌ابی در سینمای امروز مانند یافتن طلا در معدنی است که عمر استخراج مفید آن به پایان رسیده است. به دنبال درگیر شدن بسیاری در عرصه‌های هنری، صنعتی و تجاری هنر هفتم و کثرت تولید فیلم‌های سینمایی، پیدا نمودن ایده‌ها و سوژه‌های نپرداخته شده و بکر به معضل بزرگی برای فیلمنامه‌نویسان تبدیل شده است. زیرا در این حوزه، فیلمنامه‌ای ارزش فیلم شدن را دارد که مهم‌ترین مشخصه آن بکر، بدیع بودن و مستند بودن موضوع آن باشد. از سوی دیگر در رابطه فرهنگ رضوی می‌توان گفت که تمام ابعاد و عناصر این فرهنگ از یک سو آنچنان دارای محتواسست که می‌تواند جذابیت‌های زیادی برای عوامل و بینندگان داشته باشد برای مثال ریز ماجراهایی که در سفر مدینه تا مرو به وقوع پیوست، مناظره‌های حضرت با پیروان ادیان مختلف، کرامات و معجزات حضرت بعد از شهادت تا به امروز، میراث فرهنگی و تشریح فلسفه زیارت، حوزه‌های نوینی را به روی سینمای دینی می‌گشاید. از سوی دیگر این موضوعات بکر و مستند چنانچه به دست اهل فن و کارشناسان امر ساخته و پرداخته شوند، می‌توانند همانند دو فیلم "یا ضامن آهو" و "ولایت عشق" ماندگار شوند. بنابراین اگر در یک کار سازمان‌یافته کارشناسان تاریخ اسلام محتوای لازم از ابعاد فرهنگ رضوی را در اختیار فیلمنامه‌نویسان بگذارند و آنان نیز فیلمنامه‌پرداخته شده را به عوامل ساخت بسپارند، ده‌ها فیلم کوتاه، بلند، داستانی و مستند ساخته خواهد شد که از بسیاری جهات برای مخاطب جذاب و آموزنده است. بنابراین در این زمینه تعامل اندیشمند و هنرمند ضروری است که در پی آن هم فرهنگ رضوی در چارچوب هنر در می‌آید و هم هنر هفتم به سوژه‌های تازه و مستند دست می‌یابد.

۴.۲. الگودهی در مقابله با تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی از دو ناحیه نقش تخریبی دارد. از یک سو هنجارهای ملی و از سوی دیگر ارزش‌های دینی یک جامعه را به بیراهه می‌کشاند و هنر هفتم دقیقاً دو کارکرد متضاد با این نقش را ایفا می‌کند. یعنی از سویی در باب تقویت فرهنگ ملی می‌کوشد و از سوی دیگر بخش دینی آن، از ارزش‌ها و آموزه‌های دینی در جامعه حمایت می‌کند. در رابطه با دین، تهاجم فرهنگی مبتنی بر سه مؤلفه تحمیل، تخریب و تحدید است که هر کدام به نوبه خود به نحوی ماهیت و کلیت دین را مورد هجوم قرار می‌دهند و لیکن پایان کار روی به یک سو دارند (افتخاری و کمالی، ۱۳۷۷: ۸۵). این دو کارکرد هنر هفتم زمانی می‌تواند مفید باشد که از ابزارهای مادی و معنوی لازم در برابر تهاجم افسار گسیخته فرهنگ غرب برخوردار باشد. فرهنگ رضوی از آنجا که از دل دین اسلام برآمده و رنگ الهی دارد به خوبی می‌تواند الگوی کاملی از یک انسان کامل و فرهنگ جامع را به هنر هفتم پیشکش نماید. یکی از ابعاد امامت امام رضا (ع) مقابله با هجوم فرهنگ‌های باطل و انحرافی در جامعه مسلمان بود، کاری که خلفای اموی و عباسی در طول سالیان دراز کوشیده بودند در برابر

فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ‌های بدلی و صوری را در جامعه رواج دهند. به این منظور آنان فلسفه و کلام و اندیشه‌های دیگر ادیان و مذاهب را ترجمه می‌کردند و در جامعه رواج می‌دادند و شبهات بسیاری را در ذهن مردم وارد کردند. امام رضا (ع) به مبارزه با این تهاجمات گسترده دست زدند و با ابزارهای مختلف از جمله مناظره و گفت‌وگو با بزرگان و فیلسوفان دیگر ادیان و مذاهب به گسترش اندیشه‌های ناب اسلامی و باورهای حقیقی قرآن می‌پرداختند (حکیمی، ۱۳۸۲: ۲۰). کاری که امروز از عهده سینمای اندیشه بر می‌آید این است که با الگوگیری از سیره رضوی، فیلم‌هایی تولید کند که در آن‌ها اندیشه و فلسفه ناب اسلامی که در فرهنگ رضوی انعکاس یافته است، بازتاب داده شود. چرا که بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی، تأکید بر فرهنگ ملی و دینی است.

نتیجه‌گیری

همسویی‌ها و تعاملات فرهنگ رضوی و هنر هفتم براساس چارچوب نظری "تنیدگی دین و هنر" معنا و قابلیت بررسی پیدا می‌کند. اگر دین و هنر را در دو جزیره مجزا از هم ببینیم، سخن از همسویی و تعاملات فرهنگ رضوی به عنوان نماینده فرهنگ دین، و هنر هفتم به حیث نماینده دنیای هنر کاملاً بی‌معنا می‌شود. آنچه نشان داده شد همسویی‌های پرشمار و تعاملات گسترده میان این دو حوزه بود. هر دو حوزه از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های وسیعی در جهت همکاری با یکدیگر برخوردارند. در جهانی که جنبه هنری سینما در برابر جنبه‌های صنعتی و تجارتي آن در حال رنگ باختن است، سینمای دینی و اندیشه‌ای، فلسفه وجودی‌اش را هر چه بیشتر به متولیان فرهنگ و اندیشه نشان می‌دهد. همسویی‌های مهم و کلیدی میان فرهنگ رضوی و هنر هفتم این ضرورت را ایجاد می‌کند که این دو به یک راه درآیند. به این معنا که از یک سو فرهنگ رضوی را از دریچه دوربین ببینیم و نشان دهیم و از سوی دیگر هنر هفتم که نوعی از آن دینی است را هر چه بیشتر با فرهنگ دینی رضوی درآمیזیم که در این صورت بده و بستانی به‌وجود خواهد آمد که طرفین از آن سود خواهند برد. هنر هفتم در ازای معرفی شخصیت و امامت امام رضا (ع) و دیگر جنبه‌های منسوب به آن حضرت که امروزه تحت عنوان "فرهنگ رضوی" شناخته می‌شود، به جامعه مسلمان، از قابلیت‌های بالای آن در راستای اهداف دینی‌اش بهره خواهد برد و فرهنگ رضوی نیز در برابر تأثیرات مثبتی که بر محتوا و خط‌مشی هنر هفتم می‌گذارد از توان بالای این هنر در راستای شناساندن ابعاد فرهنگی و معنوی‌اش به جامعه تشنه فرهنگ و اندیشه اصیل اسلامی استفاده خواهد نمود. اما از این نکته نیز نباید غافل بود که تلاقی فرهنگ و معارف دینی با عرصه هنری و سینمایی، می‌تواند تقاطعی حساس و پرتردید ایجاد کند که اگر هم‌فکری و همدلی مناسبی میان اهالی این دو حوزه پیدا نشود ممکن است سوء تفاهم‌ها و کج‌فهمی‌های پیچیده و گاه خطرناکی را به‌وجود آورد. شناخت این تلاقی و تقاطع و شناسایی حساسیت‌ها و ظرافت‌های آن می‌تواند در رفع و دفع آن سوء تفاهم‌ها و کج‌فهمی‌ها تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

منابع

- آشوری، داریوش. *ما و مدرنیت*، طلوع آزادی، ۱۳۷۶.
- آوینی، مرتضی. "اخلاق و سینما"، ماهنامه سوره، دوره اول، ش ۱۱، بهمن ۱۳۶۸.
- آوینی، مرتضی. "حکمت سینما"، فصلنامه هنر دینی، ش ۷، بهار ۱۳۸۰.
- استیفنس، رالف؛ دبری، ژان ار. *سینما از دیدگاه هنر*، شباویز، ۱۳۶۵.
- افتخاری، اصغر؛ کمالی، علی اکبر. *رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی*، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- امامی، همایون. *سینمای مردم شناختی ایران*، نشر افکار، ۱۳۸۵.
- انوری، حسن. *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۶، انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
- ایازی، سیدعلی. "چگونگی تبدیل مفاهیم دینی به نشانه‌های تصویری"، *سینما از نگاه اندیشه*، ج اول، حوزه هنری، ۱۳۷۷.
- پاک‌نیا، عبدالکریم. *ویژگی‌های امام رضا (خصائص الرضویه)*، قم: نشر کوثر، ۱۳۸۴.
- جان وبرد، رمی. *تأملاتی در باب سینمای دینی*، ترجمه محمد شهباء، انتشارات فارابی، ۱۳۷۵.
- جعفری، محمد تقی. *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.
- جلالی، غلامرضا. *سینما از نگاه اندیشه*، ج اول، حوزه هنری، ۱۳۷۷.
- حکیمی، امیرمهدی. *سیره امام رضا (ع)*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
- خوشنویس، احمد. *فضایل علمی و اخلاقی امام هشتم*، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۵۹.
- دوویکتور، انیس. "کلیسا و سینما"، *سینما از نگاه اندیشه*، ج اول، حوزه هنری، ۱۳۷۷.
- دهخدا، علی اکبر. *لغت نامه دهخدا*، ج ۲۹ و ۳۰، انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۵.
- رشاد، علی اکبر. "شهود و شیدایی"، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.
- روزنامه سیاست روز، ش ۱۴۳، ۱۶/۷/۱۳۸۰.
- سماک ایمانی، محمدرضا. *سینمای انسانی = سینمای دینی*، *سینما از نگاه اندیشه*، ج ۲، حوزه هنری، ۱۳۷۷.
- شوان، فریده‌هوف. *اصول و معیارهای هنر جهانی*، در *مبانی هنر معنوی (مجموعه مقالات)*، ترجمه سیدحسین نصر، دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۲.
- عباس مقدم، مصطفی. *نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت*، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
- کشانی، علی اصغر. *سینمای دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی*، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بی‌تا.
- کینگزبرگ، آیرا. *فرهنگ کامل فیلم*، ترجمه رحیم قاسمیان، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۹.
- کلینی رازی، محمدبن یعقوب بن اسحاق. *فروع کافی*، ج ۴ و ۵، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.
- لوتمن، یوری. *نشانه‌شناسی و زیبایی‌شناسی در سینما*، ترجمه مسعود واحدی، انتشارات سروش، ۱۳۷۵.
- مجلسی، محمد باقر. *بحارالانوار*، ج ۴۹، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
- محدثی، جواد. *اخلاق تربیتی امام رضا (ع)*، نشر مطهر، ۱۳۷۹.
- محمدی، مجید. *سینمای امروز ایران*، انتشارات جامعه ایرانیان، ۱۳۸۰.
- مدد پور، محمد. *حقیقت و هنر دینی*، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، سوره مهر، ۱۳۷۸.
- معموری. "امام رضا و ارتقای نگرش سیاسی جامعه"، *فصلنامه اندیشه نو*، ش ۱، آذر ۱۳۷۵.
- مکارم شیرازی، ناصر. *مناظرات تاریخی امام علی بن موسی الرضا*، مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، ۱۴۰۴ق.
- موناکو، جیمز. *چگونگی درک فیلم*، ترجمه گلی امامی، انتشارات سروش، ۱۳۷۱.
- الن، پیتر. *نشانه‌ها و معنا در سینما*، ترجمه: عبدالله تربیت و بهمن ظاهری، انتشارات سروش، ۱۳۶۳.
- نقی‌زاده، محمد. "رابطه متقابل دین و هنر"، *فصلنامه هنر دینی*، ش ۸، ۱۳۸۰.
- نقی‌زاده، محمد. "نسبت و رابطه نوگرایی سنت و مدرنیسم در مباحث هنری و فرهنگی"، *فصلنامه هنر*، ش ۴۲، زمستان ۱۳۷۸.

واقعی، حمزه. "امام رضا و پیریزی نظام معرفتی ایرانیان"، مجله /نَدِیْشَه نو، ش اول، آذر ۱۳۸۵.
الویری، محسن. "تمادگرایی در سیره تبلیغی ثامن الحجج"، فصلنامه /نَدِیْشَه نو، ش ۱، آذر ۱۳۸۵.
هاشمی، سیدمحسن. /از ذهنیت تا عینیت در سینما، آهوان، ۱۳۷۸.